

تحلیل کیفی شناسایی آسیب‌ها و ناپه‌نجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران با استفاده از روش گرندد تئوری (مطالعه موردی: روستای خواجه نفس)

طیبه شیخ^۱، گزل آخوند نژاد^۲

^۱آموزش و پرورش شهرستان گمیشان، روستای خواجه نفس، مدرسه توحید (نویسنده مسئول)

^۲آموزش و پرورش شهرستان گمیشان، روستای خواجه نفس، مدرسه توحید

چکیده

این پژوهش بر اساس یک تحلیل کیفی از مناطق روستایی به دنبال سازماندهی مجدد و شناسایی آسیب‌های مدارس روستایی مطابق با سیاست‌های آموزشی است. با استفاده از تحلیل کیفی، ما سعی می‌کنیم یک روایت داستانی زمینه‌ای از آسیب‌های مدارس روستایی ارائه کنیم. جامعه آماری مدارس روستایی خواجه نفس می‌باشند. روش تحقیق کیفی از طریق مصاحبه است. مصاحبه‌ها شامل سؤالاتی در حوزه مشکلات و موانع تعلیم و تربیت در مدارس دخترانه می‌باشد. با توجه به این که پاسخ به مصاحبه‌ها باید مفصل و به صورت تشریحی باشد، پاسخ دهنگان مدیران و معلمان مدارس روستایی بودند که دقیقاً این آسیب‌ها را از نزدیک تجربه کرده و درک درست و کاملی از آن داشتند. تمامی مراحل انجام مصاحبه و بررسی‌ها و استخراج عوامل و شاخص‌ها توسط دانش‌آموزان به کمک معلم راهنما انجام شده است. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها ۸ عامل اصلی شامل عدم وجود مربیان متخصص جهت گفت‌وگو درباره مشکلات، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل، ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیل، نگرش منفی به کارکرد سواد، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی، تبعیض جنسیتی، آسیب‌های تحصیلی و ساختار کارکردی معیوب خانواده و ۳۶ شاخص فرعی شناسایی شد. در ادامه با کمک معلمان با تجربه و بر اساس نمره‌گذاری پرسشنامه اهمیت هر یک از عوامل را مشخص نمودیم. بر اساس نتایج کمبود امکانات و تجهیزات کمک آموزشی در رتبه نخست، ترک تحصیل زودهنگام دانش‌آموزان مدارس روستایی در رتبه دوم و ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل در رتبه سوم قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت، مناطق روستایی، مدارس دخترانه

۱- مقدمه

مدرسه در جامعه امروز، تنها مکانی برای آموختن ریاضی و ادبیات و دیگر دروس نیست. شکل‌گیری ساختار فکری دانش آموزان، قبول یا رد بسیاری از ارزش‌ها و باورها، کسب اعتماد به نفس، پرورش روحیه تلاش و کوشش، جستجوگری و اکتشاف و بسیاری ویژگی‌ها و خصلت‌های دیگر، به شدت متأثر از «حضور در مدرسه» است. البته بدیهی است این گزاره به معنی نفی عوامل مؤثر دیگر چون خانواده، رسانه‌ها (تلویزیون، سینما، اینترنت و ...) بر شخصیت و روحیات کودکان، نوجوانان و جوانان نیست (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۵).

غفلت نسبت به موضوع مهم آسیب‌ها و ناهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس علاوه بر نظام آموزشی، بنیان و ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را نیز با چالش جدی مواجه خواهد کرد. آسیب‌های اجتماعی شامل ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث جامعه‌شناسی است که بروز آن در مدارس بدلیل تهدیدی عمومی برای جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شاهمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹). گسترش روزافزون آسیب‌های اجتماعی، ترک تحصیل، فرار از مدرسه، اعتیاد، سرقت و بسیاری ناهنجاری‌های دیگر به ویژه در سال‌های اخیر در بین دانش آموزان مستلزم تعمق و چاره‌اندیشی اساسی از سوی کارشناسان است. به تاکید جامعه‌شناسان باید بررسی شود که این نهاد به عنوان بخشی از بدنه جامعه تحت تاثیر چه آسیب‌هایی قرار دارد و راهکارهای آن در چیست و نباید نسبت به زنگ خطرهای بسیاری که در حوزه نهادهای آموزشی به صدا درآمده بی تفاوتی صورت می‌گیرد (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۵). آنان می‌گویند اگر برای بررسی و پیشگیری و مقابله با این آسیب‌ها هیچگونه برنامه ریزی نداشته باشیم در آینده شاهد مدارس آسیب‌زا خواهیم بود. با وجود اقدامات انجام شده در زمینه‌های مختلف، آموزش و پرورش بازهم نیازمند خانه‌تکانی و بازنگری جدی است و باید در برنامه‌ها، روش‌ها و تعاملات این دستگاه عظیم آموزشی کشور تجدید نظر شود تا شاهد کاهش آمار آسیب‌های اجتماعی در این بخش باشیم (غلام‌پور و همکاران، ۱۳۹۸).

مشکل ترک تحصیل دانش آموزان در سنین مدرسه یکی از معضلات آموزش و پرورش کشور ما می‌باشد که همه ساله خانواده‌های زیادی گرفتار این معضل می‌شوند. در این میان از آنجا که بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در روستاها زندگی می‌کنند. این مشکل در مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته بیشتر مشهود است (شاهمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به فراهم شدن زمینه آموزش برای همه افراد در کشور اما هنوز پدیده ترک تحصیل در روستاها و به ویژه برای دختران از نمود بارزتری برخوردار است که بیشتر آنها در فاصله ورود به مقطع متوسطه اول دچار ترک تحصیل زود هنگام می‌شوند. همچنین بی‌گمان شناخت مشکلات دختران امروز، رابطه مستقیم با سلامت روحی و جسمی آنان داشته و موفقیت جامعه فردا در گرو سلامت دختران امروزی است که تعدادی از آنها هم مادران فردا هستند؛ اما متأسفانه و با وجود تغییرات بنیادین در ساختار فرهنگ جامعه ما، هنوز هم در بسیاری از خانواده‌های روستایی نگرش جنسیتی حاکم است و پسران بر دختران، از بعضی جهات، ترجیح داده می‌شوند. تبعیضی ناعادلانه که روح دختران را خدشه دار کرده و چه بسا باعث بروز رفتارهایی ناپه‌نجار در دختران می‌شود. ادبیات نشان می‌دهد که دختران در سراسر کشور در تمام سطوح تحصیلی بیشتر از پسران در معرض خطر ترک تحصیل هستند (مرادی شاهمار، ۱۴۰۱). تنها در شهرهای جنوبی کشور، از هر سه کودک، نوجوان و جوان، یک نفر از تحصیل خارج است. اکثریت اینها دختر هستند. تحقیقات نشان داده است که به ازای هر ۱۰۰ پسر در سن دبستان که از مدرسه خارج می‌شوند، ۱۲۳ دختر از حق تحصیل محروم می‌شوند. به طور مشابه، بررسی سلامت جمعیت شناسی گزارش می‌دهد که ۱۲٪ از زنان در مقایسه با ۵٪ از هم‌تایان مرد خود، تحصیلات ندارند (توحید فام و همکاران، ۱۴۰۲). لذا مشکل آسیب‌ها و ناپه‌نجاری‌های تعلیم و تربیت دختران در ایران جدی است و این موضوعی است که برای مدت طولانی سیستم آموزشی را آزار می‌دهد. در این میان مناطق روستایی استان گلستان یکی از بالاترین نرخ ترک تحصیل را در ایران با ۱۵ درصد از دختران (پنج نفر از هر بیست) و ۱۲ درصد از پسران (سه نفر از هر بیست و پنج) که بین پایه‌های هفتم متوسطه اول تا پایه دهم متوسطه دوم ترک تحصیل می‌کنند. مشارکت دختران در دوره ابتدایی بالاتر است،

اما در مقایسه با پسران همچنان کمتر است به طوری که میزان تکمیل این دوره دختران ۳۷ درصد برآورد شد در حالی که پسران ۵۵ درصد بود. این مشارکت کم دختران حتی در سطوح دبیرستان و متوسطه ادامه دارد، جایی که آمار نشان می دهد که تعداد پسران از دختران بیشتر است (بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۱).

ترک تحصیل دانش آموزان دختر روستایی علل گوناگونی دارد که تاکنون در پژوهش های مختلف به آن پرداخته شده است؛ اما در این میان مقاله ای به بررسی روایت های افرادی که به طور مستقیم این چالشها را مشاهده کرده اند؛ پرداخته است. لذا محققین با توجه به این دلایل به دنبال پاسخ به این سوال می باشند که مولفه های آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران چیست؟ و درک مدیران، معلمان و دانش آموزان مدارس دخترانه از آسیب های اجتماعی چیست؟

۲- ضرورت انجام این پژوهش

آموزش یکی از عوامل تعیین کننده اولیه توسعه برای هر کشور است. همچنین آموزش نقش مهمی در تأمین پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بهبود توزیع درآمد دارد. هیچ کشوری در جهان نمی تواند بدون سرمایه گذاری قابل توجه در سیستم آموزشی به توسعه اقتصادی پایدار دست یابد؛ بنابراین با توجه به ضرورت و اهمیت آموزش، اهدافی در سطح جهانی تعیین شد. یکی از اهداف تضمین این است که همه دختران و پسران آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، عادلانه و با کیفیت را تکمیل کنند (فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، درک این موضوع ضروری است که چگونه می توان به این هدف دست یافت و تاکنون چه پیشرفت هایی در این زمینه حاصل شده است.

در روستای خواجه نفس نرخ ثبت نام دختران برای پایه های ششم تا هشتم ۹۰ درصد بوده است، در حالی که برای پایه های نهم تا دهم و یازدهم تا دوازدهم، به ترتیب ۶۳ درصد و ۴۷ درصد بوده است (جمع آوری توسط محققین). واضح است که تلاش ها برای وارد کردن دختران به سیستم آموزشی رسمی از طریق مدرسه ابتدایی موفقیت آمیز بوده است. با این حال، افزایش نرخ ترک تحصیل در میان دانش آموزان دختر روستای خواجه نفس، به ویژه پس از کلاس هشتم، کاملاً مشهود است و در این زمینه مشکلاتی وجود دارد.

از طرفی آموزش روشی مؤثر برای ارتقای خودارزشمندی، سلامت، بهره وری و تقویت مشارکت در جامعه مدنی دختران است. ثابت شده است که ماندن در مدرسه از دختران در برابر ازدواج زودهنگام و اختلالات روانی محافظت می کند. همچنین شواهدی در مورد مزایای اقتصادی آموزش دختران جمع آوری شده است که تولید ناخالص داخلی سرانه، زنان در نیروی کار و آموزش نسل های آینده را بهبود می بخشد. تأیید چنین نتایجی عزم محققان را برای شناسایی شناسایی آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی، به ویژه دختران، تقویت کرده است.

۳- اهداف تحقیق

الف) هدف کلی

شناسایی آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران

ب) اهداف جزئی

۱- شناسایی عوامل علی آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران

۲- شناسایی عوامل زمینه ای آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران

۳- شناسایی عوامل مداخله گر آسیب ها و ناهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران

۴- شناسایی عوامل راهبردها و اقدامات آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران

۵- شناسایی پیامدهای آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران

۴- سوالات تحقیق

الف) سوال اصلی

آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

ب) سوالات فرعی

۱- عوامل علی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

۲- عوامل زمینه‌ای آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

۳- عوامل مداخله‌گر آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

۴- عوامل راهبردها و اقدامات آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

۵- پیامدهای آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران کدام اند؟

۵- روش تحقیق

این پژوهش کاربردی است و به صورت مقطعی در جامعه آماری مشخص انجام شده است. در این پژوهش دانش آموزان ابتدا با توجه به اهداف پژوهش و به منظور بررسی عمیق و شناخت بیشتر موضوع در زمینه ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها، به مطالعه ادبیات و پیشینه مرتبط با موضوع بررسی پرداختند، سپس از مصاحبه و برای درک بیشتر و شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های استفاده کردند. در این مرحله از طریق مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی به صورت انفرادی با خبرگان علمی که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، داده‌های کیفی مورد نیاز جمع‌آوری و مفاهیم و مقوله‌ها شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش در طی مصاحبه از شرکت‌کنندگان (مدیران، معلمان، دانش‌آموزان) سؤالاتی در ارتباط با موضوع تحقیق در مدت زمان بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه پرسیده شد. انتخاب مصاحبه‌شوندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. مدیران و معلمان زن مدارس ابتدایی و متوسطه اول و دوم که دارای حداقل ۵ سال سابقه مدیریتی و تدریس مدارس متوسط و شاغل در روستایی محدوده خواجه‌نفس بوده و دارای مدرک حداقل کارشناسی بودند و دارای حداقل ۳ تا ۵ مورد از موارد نابهنجاری در بین دانش‌آموزان مدرسه داشته‌اند انتخاب گردیدند.

فرایند نمونه‌گیری به این صورت بود که پس از مراجعه به مدارس روستای خواجه‌نفس و یا بصورت تماس تلفنی طرح پژوهش معرفی و تمایل آنها به مصاحبه و وقت لازم برای، معرفی و تمایل حضور در مدارس آنها هماهنگ گردید و در زمان مقرر به مدارس آنها مراجعه شد. سپس سوالات اساسی مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته که مصاحبه‌ای است که در آن چارچوب کلی سوالات از قبل مشخص شده و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسشهای مشابه پرسیده می‌شود آماده شد. برای انجام مصاحبه‌های پژوهش، پس از این که مدیران و معلمان مدارس مذکور تمایل خود را برای انجام مصاحبه نشان دادند فرایند مصاحبه شروع شد. محتوای مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان و با کمک معلم راهنما ضبط و سپس به روی کاغذ

آورده شدند. تلاش دانش آموزان پژوهشگر در اجرای هر مصاحبه بر این بود که تا داده های مصاحبه به صورت مستقل به دست آید و نتایج آن بدون در نظر گرفتن پژوهش هایی که قبلاً انجام شده مورد تحلیل قرار گیرد. سوالات مصاحبه به این طریق بود که از مدیران و معلمان پرسیده شد آسیب ها و نابهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران از نظر شما چیست؟ تجربه شما در ارتباط با آسیب ها و نابهنجاری های تعلیم و تربیت دختران در مدارس روستایی چیست؟ مهم ترین و پرتکرارترین آسیب ها و نابهنجاری های تعلیم و تربیت در مدارس دختران متوسطه کدام است؟ راهکار عملیاتی انجام شده و مؤثر شما در مدرسه چه بوده است؟

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل داده بنیاد استفاده شد که شامل خواندن یافته های مهم و هم احساس شدن با افراد شرکت کننده به منظور درک افراد و استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مهم مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده، دسته بندی مفاهیم بدست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ای داده ها، توصیف پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده ها به شرکت کنندگان جهت بررسی اعتماد پذیری نتایج بدست آمده بود. سپس کد گذاری به شیوه گردند تئوری و استخراج عوامل اصلی و شاخص ها انجام شد. از آن جا که پیوند مستمر پژوهشگر با واقعیت های موجود در محیط پژوهش از ویژگی های روش تحلیل داده بنیاد (گردند تئوری) است، بنابراین از این روش به منظور شناسایی عوامل استفاده شد. دلیل دیگر پژوهشگر برای استفاده از این روش ترجیح پژوهشگران به داده های گردآوری شده از محیط واقعی نسبت به اطلاعات موجود در پژوهش های گذشته که الزاماً در شرایط مشابه با محیط پژوهش فعلی گردآوری نشده اند می باشد.

کدگذاری باز^۱: در این مرحله پژوهشگر از دل داده های خام اولیه، مقوله های مقدماتی را در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق جزء جزء کردن اطلاعات، به شکل بندی مقوله های اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه، سؤال کردن درباره داده ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده ها برای کسب شباهت ها و تفاوت ها پرداخت. در نهایت این بخش شامل دو قسمت است. جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه ها و جدول طبقه های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای مفهومی آنها.

کدگذاری محوری^۲: پژوهشگر یکی از مقوله ها را محور فرآیند در حال بررسی و اکتشاف قرار می دهد (مقوله اصلی) و سپس مقوله های دیگر را آن ارتباط می دهد. در این ارتباط در این پژوهش شناسایی ابعاد اصلی و مؤلفه های مرتبط مورد نظر بوده است.

شرایط علی: این شرایط باعث شکل گیری پدیده یا طبقه محوری می شوند. این شرایط مجموعه ای از طبقه ها و ویژگی هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می دهد.

راهبردها (کنشها و تعاملات): بیانگر رفتارها، واقعیت ها و تعاملات هدفداری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم حاصل می شوند.

بستر حاکم: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می گذارند بستر گفته می شود و تمیز آن ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه ای از مفاهیم، طبقه ها یا متغیرهای زمینه ای تشکیل می دهند، در مقابل شرایط علی، مجموعه ای از متغیرهای فعال است.

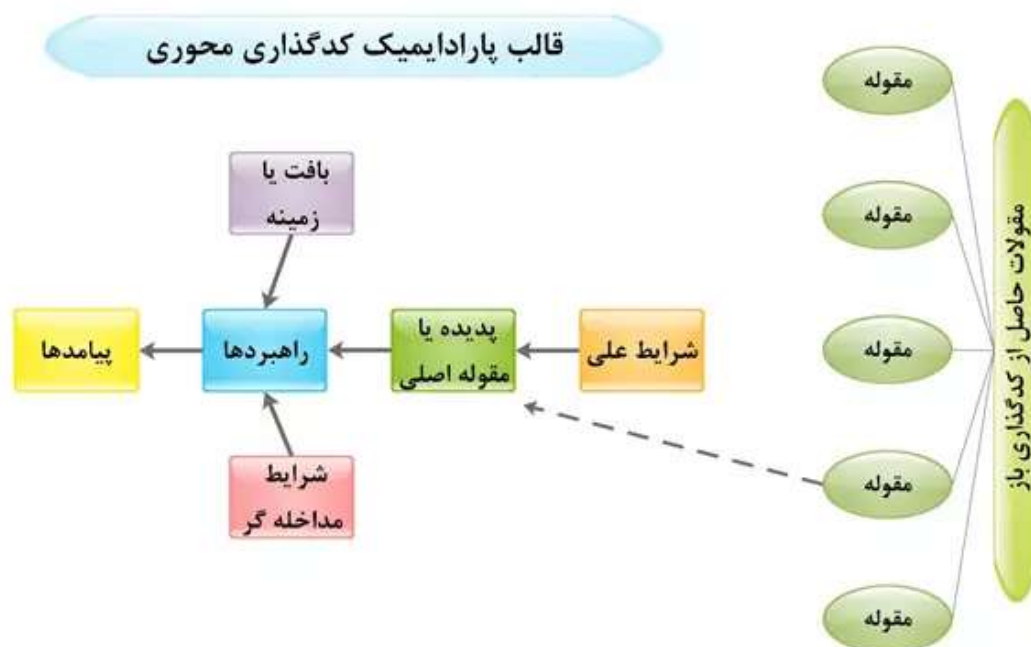
شرایط مداخله گر: شرایطی هستند که راهبردها از آنها متأثر می شوند. این شرایط را مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می دهند. شرایط مداخله گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود میکنند و صبغه علی و عمومی دارند.

1 Open Coding

2 Axial Coding

پیامدها: برخی از طبقه ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند. این روش کدگذاری که اصطلاحاً به آن مدل پارادایم کدگذاری محوری گفته می شود توسط کوربین و استراوس (۲۰۰۸) ارائه شده است. به این دلیل محوری گفته می شود که کدگذاری حول محور طبقه انجام می شود.

مرحله نهایی کدگذاری در روش زمینه‌ای، «کدگذاری انتخابی» است. از این کدگذاری برای یکپارچه سازی و پالایش مقوله ها استفاده می شود. در این مرحله مقولات اصلی برآمده از پژوهش به یکدیگر می پیوندند و طرح نظری بزرگتری را ارائه می دهند تا یافته ها پژوهش شکل نظریه به خود بگیرد. کدگذاری انتخابی آخرین مرحله از نظریه پردازی داده بنیاد است که به توسعه یک تئوری نهایی می انجامد. طی فرایند کدگذاری انتخابی، یک مقوله محوری واحد انتخاب می شود و همه مقوله های دیگر به این مقوله محوری بر می گردند. بر اساس این مقوله محوری، خط سیر واحدی شکل می گیرد که همه اطلاعات پیرامون آن ساماندهی می شوند. در این مرحله از کدگذاری، محقق از روابط بین مقوله های به دست آمده در کدگذاری محوری نظریه ای را به نگارش در می آورد (شکل ۱).



شکل شماره ۱. رابطه بین سه سطح کدگذاری های انجام شده

بنابراین در این مرحله، کدهای شناسایی شده در مراحل پیشین، در ۵ پارادایم شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و اقدامات و پیامدها قرار می گیرند. موارد مذکور در جداول جداگانه و در ادامه ارائه شده‌اند.

۶- یافته‌های تحقیق

به این منظور ابتدا داده ها با انجام مصاحبه از شرکت کنندگان گرد آوری شدند و پس از برگردان و مکتوب کردن آنها مجموعه ای از کدهای اولیه به دست آمد. این کار برای هر کدام از مصاحبه‌ها انجام شد و در صورت مشابه بودن مضامین از همان کدهای قبلی به عنوان نشانگر آن ها استفاده شد. سپس بر اساس مضامین پایه شناسایی شده در کل پژوهش، دسته بندی کلی تری انجام شده که منجر به شناسایی ۸ عامل خرد گردید.

جدول شماره ۱: اطلاعات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	پست سازمانی	جنسیت	سابقه مدیریت	مدرک-رشته	مقطع	ناحیه خدمت	موارد نابهنجاری دانش آموزان
۱	مدیر	زن	۱۴ سال	کارشناسی- برنامه ریزی	متوسط اول	خواجه نفس	۵
۲	دبیر	زن	۸ سال	کارشناسی مدیریت	متوسطه اول	خواجه نفس	۵
۳	معاون	زن	۱۸ سال	کارشناسی - برنامه ریزی	متوسطه دوم	خواجه نفس	۴
۴	دبیر	زن	۱۳ سال	ارشد مشاوره	متوسطه اول	بصیرآباد	۵
۵	دبیر	زن	۵ سال	ارشد مدیریت آموزشی	متوسطه دوم	خواجه نفس	۳
۶	دبیر	زن	۶ سال	کارشناسی- مدیریت	متوسطه اول	خواجه نفس	۴
۷	مدیر	زن	۱۰ سال	ارشد مدیریت آموزشی	متوسطه اول	خواجه نفس	۳
۸	دبیر	زن	۱۱ سال	ارشد- برنامه ریزی	متوسطه اول	خواجه نفس	۴
۹	معاون	مرد	۶ سال	ارشد-علوم تربیتی	متوسطه دوم	بصیرآباد	۵
۱۰	دبیر	زن	۵ سال	کارشناسی- برنامه ریزی	متوسطه دوم	بصیرآباد	۳
۱۱	دبیر	مرد	۱۲ سال	ارشد مدیریت	متوسطه اول	بصیرآباد	۶

کد های مصاحبه شوندگان:

زن: F مرد: M سابقه خدمت: E ۵ تا ۱۰ سال (۵) ۱۰ سال (۱) - ۱۰ تا ۲۰ سال (۵) - مدرک تحصیلی: L کارشناسی (۵) کارشناسی ارشد (۶)

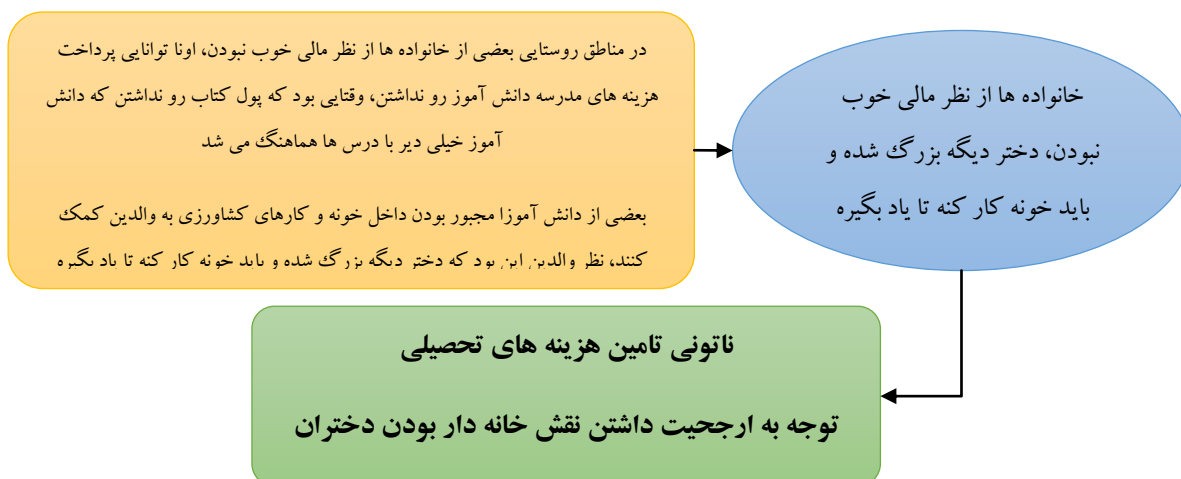
در ادامه نمونه ای از جملات مهم جهت استخراج کدها بر اساس مصاحبه با مشارکت کننده اول و دوم ارائه شده است.

جدول شماره ۲. نمونه ای از جملات مهم جهت استخراج کدهای باز بر اساس مصاحبه با خبره اول، دوم، سوم و

چهارم

مشارکت کننده شماره (۱)، به این مطالب اشاره داشت: "... در مناطق روستایی بعضی از خانواده ها از نظر مالی خوب نبودن، اونا توانایی پرداخت هزینه های مدرسه دانش آموز رو نداشتن، وقتی بود که پول کتاب رو نداشتن که دانش آموز خیلی دیر با درس ها هماهنگ می شد..." "... بعضی از دانش آموزا مجبور بودن داخل خونه و کارهای کشاورزی به والدین کمک کنند، نظر والدین این بود که دختر دیگه بزرگ شده و باید خونه کار کنه تا یاد بگیره..."
مشارکت کننده شماره (۲)، به این مطالب اشاره داشت: "...پرجمعیت بودن خانواده ها باعث می شود که دانش آموز ترک تحصیل نماید. چون تعداد افراد زیاد است. والدین نمی توانند هزینه های تحصیلی دانش آموزان را تقبل کنند." "...به علت فقر اقتصادی شدید و ناتوانی در پرداخت هزینه های تحصیلی از سوی خانواده ها دانش آموزان مجبور به ترک تحصیل هستند. والدین اعتقاد دارند سواد برای دختران تا حدی که بتوانند اسم خودشان را بنویسند و بخوانند کافی است..."
مشارکت کننده شماره (۳)، به این مطالب اشاره داشت: "... درس خوندن پسرها برای والدین خیلی مهم بود همش وسایل موردنیازش رو فراهم می کردن درس خوندن دختر براشون مهم نبود می گفتن دختر باید خونه داری یاد بگیره دختر که نمیخواد خرج زندگی رو بده..." "...در این جا خانواده های روستایی وجود دارد که معتقدند دختر باید خانه دار باشد، یا اینکه بر این باورند که ازدواج به تحصیل ارجحیت دارد و یا اینکه این دختران به دلیل ناآگاهی و کم سواد والدین، اجازه ادامه تحصیل ندارند..."
مشارکت کننده شماره (۴)، به این مطالب اشاره داشت: "...برخی والدین روستایی نگاه سنتی و تعصبی نسبت به تحصیل دختران دارند و تصور می کنند تحصیل تا مقطع ابتدایی برای آن ها کافی ست..." "...به نظر من باید در مدارس روستایی اتاق مشاوره و راهنمایی وجود داشته باشه تا خانواده ها و دانش آموزان بتونن در مشکلات با اون ها مشورت کنن..." "...در طی سال های تدریس دانش آموزانی را داشتم که باید در کارهای خانه به والدین کمک می کردند و گاهی در شیفت صبح دیرتر به مدرسه می آمدند که باعث درس زدگی و فاصله گرفتن از محیط مدرسه می شد..."

در تحلیل مرحله ای یافته ها با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف ها، تلاش شد کدها استخراج شوند. از طریق کدگذاری اولیه، ۸۵ مفهوم به دست آمد که با طبقه بندی آنها، ۱۶ مقوله فرعی شکل گرفتند.



نمودار شماره ۱. نمونه ای از کدگذاری مصاحبه ها

در ادامه، با حذف کدهای تکراری و یکپارچه نمودن کدهای هم معنی، شاخص های استخراج شده از متن مصاحبه ها دسته بندی می شوند. در این مرحله از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها، مفاهیم شناسایی شده به تعداد ۳۶ کد در مرحله اول کدگذاری، براساس ارتباط با مفاهیم مشابه در قالب مقوله های فرعی طبقه بندی شدند، آن گاه با عنوانی که بیانگر مفهوم آن ها بود نام گذاری شدند. نتایج این مرحله در جدول ۴ ارائه شده است.

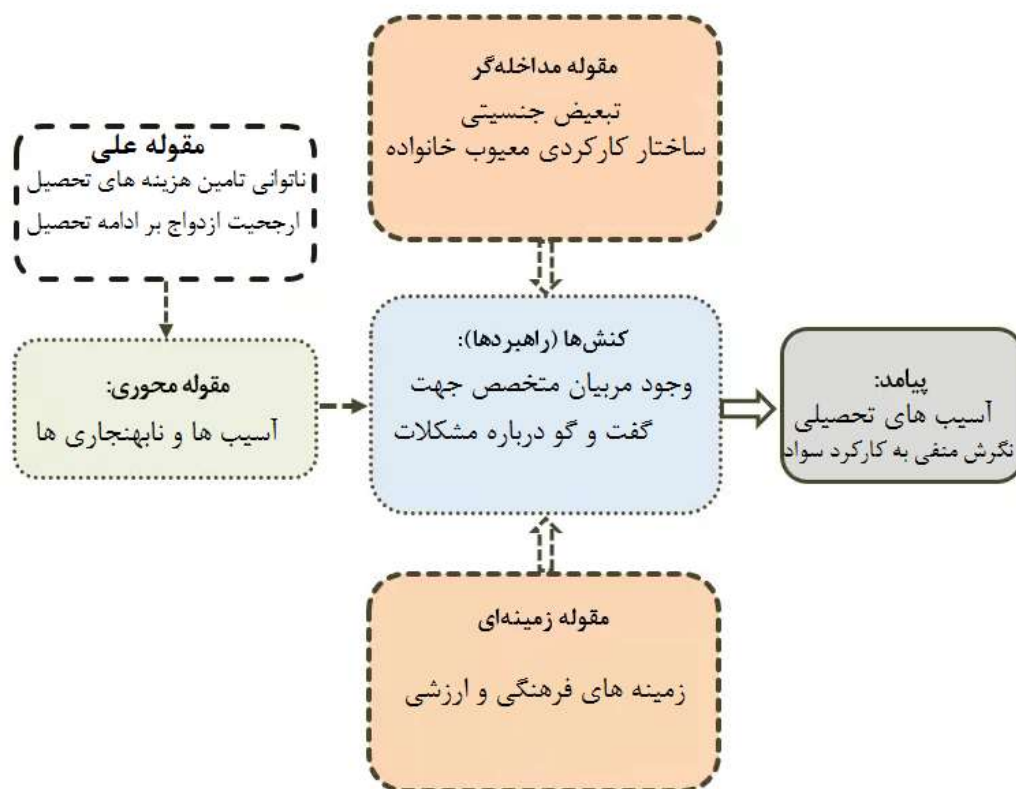
جدول شماره ۳. نتایج تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه ها

کدگذاری محوری (مقوله ها)	کدگذاری باز (شاخص ها)	منبع	مصاحبه شونده
وجود مربیان متخصص جهت گفت و گو درباره مشکلات	تأمین منابع انسانی متخصص و متبحر و مشاور	مصاحبه	۴.م، ۱.م
	تعداد مشاوران مدارس	مصاحبه	۴.م، ۳.م، ۲.م
	تأمین زمان کافی برای مشاوره با دانش آموزان	مصاحبه	۴.م
	تخصص مشاوره مربیان	مصاحبه	۸.م، ۵.م، ۱.م
ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل	نگرانی از حرفهای مردم	مصاحبه	۸.م
	نگرانی از افزایش سن دختران و تأخیر در ازدواج یا نبود فرصت ازدواج در آینده	مصاحبه	۳.م، ۲.م
	تقاضای فراوان برای ازدواج با دختران نوجوان	مصاحبه	۲.م
	نگرانی والدین از فرار دختر با پسر مورد علاقه اش و به خطر افتادن آبرو	مصاحبه	۷.م، ۴.م
	نگرانی والدین از پیامدهای پاسخ منفی به	مصاحبه	۶.م، ۷.م، ۲.م

کدگذاری محوری (مقوله ها)	کدگذاری باز (شاخص‌ها)	منبع	مصاحبه شونده
	خواستگار		
	توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه دار بودن دختران	مصاحبه	م. ۱، م. ۲، م. ۴ م. ۳، م. ۱۰
ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیل	هزینه‌های رفت و آمد	مصاحبه	م. ۵، م. ۴، م. ۹
	ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیلی	مصاحبه	م. ۹
	فصلی بودن درآمد خانواده	مصاحبه	م. ۹، م. ۱۰
	تکیه کردن بر نیروی انسانی دختران	مصاحبه	م. ۱۰
نگرش منفی به کارکرد سواد	ترویج بی فایده‌ی درس خواندن	مصاحبه	م. ۸، م. ۹، م. ۱۱
	ترویج بسندگی تحصیلات در مقاطع بالاتر	مصاحبه	م. ۴، م. ۳، م. ۲
	سواد در حد خواندن و نوشتن کافی است	مصاحبه	م. ۳، م. ۴
	وجود دختران مدرک گرفته بیکار	مصاحبه	م. ۹
زمینه‌های فرهنگی و ارزشی	توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه دار بودن دختران	مصاحبه	م. ۹، م. ۱۰
	تلقی دختر به عنوان زن	مصاحبه	م. ۱۱
	ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل	مصاحبه	م. ۳، م. ۶، م. ۷
	عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزندان دختر در روستایی‌های اطراف	مصاحبه	م. ۱، م. ۲
	بلوغ زودرس	مصاحبه	م. ۱۱
تبعیض جنسیتی	سنت‌های رایج در فرهنگ محلی	مصاحبه	م. ۹، م. ۱۰
	تعصبات قومی	مصاحبه	م. ۴، م. ۶
	نگاه به دختران فقط به عنوان خانه دار و نقش مادری	مصاحبه	م. ۵، م. ۱۱
	عدم اولویت تحصیل دختران در مقابل پسران	مصاحبه	م. ۲، م. ۳
آسیب‌های تحصیلی	غیبت‌های مکرر	مصاحبه	م. ۱۰

کدگذاری محوری (مقوله ها)	کدگذاری باز (شاخص‌ها)	منبع	مصاحبه شونده
ساختار کارکردی معیوب خانواده	ضعیف شدن پایه تحصیلی	مصاحبه	م. ۱۱
	عدم علاقه به درس خواندن	مصاحبه	م. ۷، م. ۸
	ضعف نظارت والدین	مصاحبه	م. ۳، م. ۵
	بی سوادی والدین	مصاحبه	م. ۹
	فوت یا فقدان یکی از والدین	مصاحبه	م. ۸، م. ۹
	نبود فرزند ذکور در خانواده	مصاحبه	م. ۳، م. ۴
	کهنولت سن والدین	مصاحبه	م. ۱۱
	فراوانی جمعیت خانواده	مصاحبه	م. ۱، م. ۳، م. ۵

پس از اینکه تمامی داده ها به صورت یاد شده کدگذاری باز و محوری شدند؛ نوبت به گروه بندی آنها می رسد. درواقع هدف نظریه پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل ها به نظریه، طبقه ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. در این مرحله مراجعه به ادبیات نظری پژوهش کمک زیادی به هرچه دقیق تر شدن گروه بندی ها کرد. به منظور طراحی الگوی پارادایمی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زودهنگام دختران به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته شده و ارتباط بقیه مقوله ها با آن تعیین شد.



شکل شماره ۲. الگوی پارادایمی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران

۷- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران انجام شده است. شناسایی عوامل آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران از طریق تحلیل محتوا و نظرخواهی از خبرگان (مدیران و معلمان روستایی) صورت گرفته است. بنا بر آن چه در بخش نتایج بیان شد، در ابتدا ۱۶ عامل و ۸۵ مقوله فرعی در تحلیل محتوا به عنوان عوامل آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران مورد بررسی قرار گرفته اند. این عوامل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و عواملی که همپوشانی داشته و یا قابل ترکیب در یک عامل بوده، شناسایی شدند و سرانجام ۸ عامل و ۳۶ شاخص به عنوان عوامل نهایی تعیین شدند. این عوامل عبارتند از: عدم وجود مربیان متخصص جهت گفت‌وگو درباره مشکلات، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل، ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیل، نگرش منفی به کارکرد سواد، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی، تبعیض جنسیتی، آسیب‌های تحصیلی و ساختار کارکردی معیوب خانواده.

مدل پارادایمی پژوهش (شکل ۲)، خطِ داستان برآمده از مصاحبه‌ها را مشخص می‌سازد. این خط داستانی که با محوریت مقوله محوری اصلی یعنی عوامل آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران پدید آمده سعی در ارائه وضعیتی کلی دارد که مطالب به دست آمده را در برگیرد و علاوه بر آن دارای چهار بخش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها است. این مدل ابتدا با مشخص کردن دلایل و فشارهای موجود، آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی با تأکید بر ترک تحصیل زود هنگام دختران را توجیه می‌کند. در ادامه، مدل پژوهش پس از توجیه نیاز و ضرورت بررسی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی،

چنین سیستمی را که شامل ۳۶ عامل تحت ۸ عنوان در ۴ بخش: در بخش عوامل علی، ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیل، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل. چالش‌هایی مانند فقر مالی، درآمد پایین، عدم تأمین هزینه‌های تحصیلی، فصلی بودن درآمد خانواده در ترک تحصیل دختران روستایی مؤثر بوده است. همچنین ورود به زندگی و ازدواج زودهنگام می‌تواند در ارتباط با عوامل اقتصادی بر توقف تحصیلات دختران نقش داشته باشد. در بخش عوامل زمینه‌ای زمینه‌های فرهنگی و ارزشی قرار دارد. مولفه‌هایی مانند توجه به ارجحیت داشتن نقش خانه دار بودن دختران، تلقی دختر به عنوان زن، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل، عدم اجازه به ادامه تحصیل فرزندان دختر در روستایی‌های اطراف و بلوغ زودرس از مواردی هستند که مدیران و معلمان به آن اشاره کردند. در بخش عوامل مداخله‌گر، ساختار کارکردی معیوب خانواده و تبعیض جنسیتی قرار دارد. مولفه‌هایی مانند ضعف نظارت والدین، بی‌سوادی والدین، فوت یا فقدان یکی از والدین، نبود فرزند ذکور در خانواده، کهولت سن والدین و فراوانی جمعیت خانواده از مواردی هستند که مدیران و معلمان به آن اشاره کردند. در بخش راهبردها، وجود مربیان مشاوره متخصص جهت گفت‌وگو درباره مشکلات. در بخش عوامل پیامدها، آسیب‌های تحصیلی و نگرش منفی به کارکرد سواد قرار دارد. مولفه‌هایی مانند ترویج بی‌فایده‌ی درس خواندن، ترویج بسندگی تحصیلات در مقاطع بالاتر، سواد در حد خواندن و نوشتن کافی است، وجود دختران مدرک گرفته بیکار، غیبت‌های مکرر و ضعیف شدن پایه تحصیلی از مواردی هستند که مدیران و معلمان به آن اشاره کردند. در واقع این مقوله‌ها حاصل مقوله‌های علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای است. این نتایج دختران به انفعال در مقابل یادگیری و ضعف پایه سوق داده است که دید منفعلانه به تحصیل در دختران روستایی را تقویت می‌کند.

بنابراین ریشه آسیب‌ها و ناهنجاری‌های تعلیم و تربیت در مدارس روستایی و در نهایت ترک تحصیل دختران در تعامل و کنش تمامی مقولات باید جستجو کرد. محیط یادگیری در روستا محیط کوچکی است، بنابراین نظام آموزشی و در راس آن معلم باید بتواند به عنوان سازوکار آرام بخش برای دانش‌آموزان باشد. اگر نظام آموزشی نتواند تعاملات مناسبی را با مقولات اقتصادی، فرهنگی و ارزشی پیدا کند و در رفع آن به نوبه خود قدم بردارد، نظام آموزشی برای دانش‌آموزان خسته‌کننده و تکراری می‌شود.

به طور کلی پژوهش درباره علل و ریشه‌یابی دلایل ترک تحصیل دختران روستایی از این جهت اهمیت دارد که پوشش تحصیلی نسبتاً برابر دختران و پسران می‌تواند میزان آگاهی و سوادآموزی را در جوامع روستایی تحقق بخشد و میزانی برای عدالت آموزشی و توسعه آموزش در روستاها باشد.

در ادامه پیشنهادهایی که آن‌ها نیز برآمده از مصاحبه‌های معلمان و مدیران مدارس روستایی می‌باشد ارائه شده است:

۱. استفاده از تمامی امکانات تبلیغی و تشویقی جهت جلب دختران روستایی بدان‌مانده از تحصیل
۲. تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگ و دانش والدین و ایجاد نگرش مطلوب با استفاده از کارشناسان و نیروهای کارآمد مشاوره تربیتی
۳. تقویت ارتباط صحیح خانه و مدرسه و تعامل والدین و مدرسه و ارائه اطلاعات لازم به آن‌ها
۴. ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای رشد آگاهی والدین درباره پیامدهای منفی ترک تحصیل دختران و پیامدهای منفی ازدواج زودهنگام و ضرورت رفع تبعیض میان فرزندان دختر و پسر

منابع

۱. اقدسی، علی نقی و زینال فام، افسانه (۱۳۹۵). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. فصلنامه علوم تربیتی، ۱۳(۵): ۱۱۳-۱۳۰.
۲. بیرانوند، سارا؛ فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، رسول (۱۴۰۱). تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دبیرستان). انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۷(۳۳): ۵۱-۷۶.
۳. توحیدفام، زهرا و صیامی، امیرمحمد و عظیمی، محمد و مددی گاودول، محمد (۱۴۰۲). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دختر، اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه، بابل.
۴. شاهمحمدی، انور و بهمنی، مهری (۱۳۹۹). واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد: مورد استان کردستان. تدریس پژوهی، ۸(۳): ۱۹۴-۱۷۱.
۵. غلام پور، میثم و آیتی، محسن (۱۳۹۸). روایت پژوهی ترک تحصیل دانش آموز دختر روستایی. پژوهش نامه زنان، ۱۰(۳۰): ۷۰-۴۹.
۶. فرضی‌زاده زهرا، طالب مهدی، متوسلی محمود (۱۳۹۶). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهشی کیفی). فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت. ۳۳(۱): ۱۱۵-۱۳۴.
۷. مرادی شاهمار، زینب (۱۴۰۱). مقایسه و بررسی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۸۷/۸۸، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.

Qualitative analysis of identifying educational harms and abnormalities in rural schools with an emphasis on early school leaving for girls using the grounded theory method (Case study: Khajeh Nafs village)

Tayyebah Sheikh¹, Gazelle Akhundnejad²

¹Education of Gomishan County, Khajeh Nafs village, Tohid School

²Education of Gomishan County, Khajeh Nafs village, Tohid School

Abstract

This research is based on a qualitative analysis of rural areas to seek reorganization and identification of harms in rural schools in accordance with educational policies. Using qualitative analysis, we try to present a contextual narrative of the harms in rural schools. The statistical population is the rural schools of Khajeh Nafs. The qualitative research method is through interviews. The interviews include questions in the field of problems and obstacles to education in girls' schools. Given that the answers to the interviews had to be detailed and descriptive, the respondents were rural school principals and teachers who had experienced these harms firsthand and had a correct and complete understanding of them. All stages of conducting interviews, surveys, and extracting factors and indicators were carried out by students with the help of a guidance teacher. Based on the findings from the interviews, 8 main factors were identified, including the absence of expert instructors to discuss problems, the preference for marriage over continuing education, the inability to cover education costs, a negative attitude towards the function of literacy, cultural and value contexts, gender discrimination, educational harms, and a defective family functional structure, and 36 sub-indicators. Then, with the help of experienced teachers and based on the questionnaire scores, we determined the importance of each factor. Based on the results, the lack of educational support facilities and equipment ranked first, early school leaving of rural school students ranked second, and the preference for marriage over continuing education ranked third.

Keywords: Educational pathology, rural areas, girls' schools
